

نگاه

نگاهی به قطع‌نامه اخیر شورای حقوق بشر

اجماع جهانی علیه نژادپرستی

امیر بی‌پروا، پژوهشگر حقوق بین‌الملل

● قضیه کشته‌شدن جورج فلوید، نمونه‌ای از موارد اعمال خشونت نسبت به عضوی از یک گروه نژادی در میان گروه‌های نژادی است؛ نمونه‌ای از قتل، اعمال خشونت و وحشیگری که قلب افکار عمومی جهان را به درد آورد. قبل از این نمونه، در حوادثی مشابه، افرادی مانند اریک کارنسر و مایکل براون نیز به قتل رسیدند که نحوه برخورد با آنها مصادیق اعمال خشونت و تبعیض بود. قدر متیقن همه این مصادیق، اعمال خشونت و اقدامات غیرقانونی تبعیض‌آمیز نسبت به گروه نژادی آفریقایی‌تبارها است که البته نباید آن را صرفا محدود به آمریکا دانست.

وحشیگری و خشونت در ماجرای قتل جورج فلوید در برابر عموم از سوی شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت به اطلاع جهانیان رسید و افکار عمومی جهان به‌شدت از آن متاثر شدند. موج گسترده‌ای از اعتراض‌ها از سوی افکار عمومی، نهادهای جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و دولت‌ها علیه وحشیگری، خشونت و اعمال تبعیض نسبت به رنگین‌پوستان بلند شد و تمام جهان را دربر گرفت. این اعتراض‌ها به‌طور رسمی خشونت و تبعیض را محکوم کردند و خواهان تکرارنشدن چنین فجاییعی، مسئولیت‌پذیری دولت‌ها و جبران خسارات ناشی از آن بودند.

هم‌زمان با ازسریگری اجلاس چهل‌وسوم شورای حقوق بشر ملل متحد، ۵۰ کشور آفریقایی عضو سازمان ملل متحد (گروه کشورهای آفریقایی) از شورای حقوق بشر تقاضای صدور قطع‌نامه علیه نژادپرستی و خشونت علیه رنگین‌پوستان را کردند که این درخواست از سوی سفیر بورکینافاسو در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تسلیم شورای حقوق بشر شد.

رئیس دوره‌ای شورای حقوق بشر، این تقاضا و اقدام شورای حقوق بشر را گامی تاریخی اعلام کرد که در جلسه فوری شورا در ۱۷ و ۱۸ ژوئن، متن پیش نویس قطع‌نامه با حضور کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، گزارشگران موضوعی مرتبط، کارشناسان مستقل حقوق بشر و تمامی ۴۷ کشور عضو شورای حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفت و یا اجماع آرا، تحت عنوان «قطع‌نامه برای حمایت و ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مردم آفریقایی و دارای نژاد آفریقایی نسبت به اعمال خشونت و دیگر نقض‌های حقوق بشر از سوی مقامات رسمی» به تصویب شورای حقوق بشر رسید. این قطع‌نامه از حیث تعداد کشورهای متقاضی، تعداد حامیان در میان نهادهای دولتی و غیردولتی و اجماع اعضای شورا، در تاریخ قطع‌نامه‌های شورای حقوق بشر، قطع‌نامه‌ای تاریخی است.

این قطع‌نامه، اعمال تبعیض و خشونت نسبت به نژاد آفریقایی با تأکید بر قضیه جورج فلوید، از سوی مقامات رسمی به‌شدت محکوم شده و در گامی فراتر، تبعیض ساختاری را در سیستم عدالت کیفری محکوم کرده است. شورا در قطع‌نامه از کمیسر عالی حقوق بشر و کارشناسان مستقل حقوق بشری خواسته است گزارش‌هایی را درباره نقض حقوق بشر و نژادپرستی نسبت به مردمان آفریقایی به‌خصوص قضیه جورج فلوید تهیه کنند. شورا همچنین از کمیسر عالی حقوق بشر تقاضای بررسی اقدامات دولت‌ها درباره اعتراض‌های مسالمت‌آمیز در قبال تبعیض نژادی و ادعاهای اعمال خشونت نسبت به معترضان، فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران را می‌کند و در آخر از کمیسر عالی درخواست دارد گزارش خود در موضوعات اعلام‌شده را در اجلاس‌های چهل‌وینجم، چهل‌وششم و چهل‌وهفتم شورای حقوق بشر ارائه کند.

قطع‌نامه شورا در محکومیت نژادپرستی و اعمال خشونت نسبت به رنگین‌پوستان آفریقایی‌که با مشارکت گسترده، حمایت جامعه بین‌المللی و اجماع اعضا بود، در محکومیت تبعیض و اعمال خشونت در تاریخ حقوق بین‌الملل بشر برجسته خواهد بود و از لحاظ جنبه اجرائی که به کمیسر عالی حقوق بشر سپرده است، عملا قطع‌نامه‌ای اجرائی برای مقابله با تبعیض و اعمال خشونت نسبت به آفریقایی‌تباران است. منتهای مراتب، لازم بود قطع‌نامه صرفا تبعیض و خشونت را نسبت به نژاد آفریقایی محکوم نمی‌کرد و همه اشکال نژادپرستی، تبعیض و اعمال خشونت را محکوم می‌کرد تا گامی تاریخی در محکومیت تبعیض تحقق یابد.

جای نام آمریکا در این قطع‌نامه خالی است؛ در قطع‌نامه‌ای که تأکید بر قتل جورج فلوید شده است و مسئولیت نقض حقوق بشر و خشونت نیز بر عهده مرتکب آن، پلیس آمریکاست، از لحاظ حقوقی جای نام آمریکا خالی است و از جهت محکومیت و لزوم تأکید بر مسئولیت آمریکا نیز خلا‌های بی‌شماری دارد.

«تزار عصر جدید» عنوانی است که

اغلب رسانه‌های غربی پس از اعلام اصلاح قانون اساسی روسیه به ولادیمیر پوتین داده‌اند؛ دلیلش هم این است که به اعتقاد اغلب مفسران، تغییر اصلی در قانون اساسی روسیه تغییری است که بر ادامه حکمرانی پوتین بر روسیه تا سال ۲۰۳۶ رنگ‌ولعاب قانونی می‌زند.

پوتین که اکنون ۶۷ سال دارد، از آگوست ۱۹۹۹ رکن اصلی قدرت اجرایی در روسیه بوده است. او در ۲۰ سال گذشته، چه در مقام رئیس‌جمهور و چه در مقام نخست‌وزیر، کم‌وبیش بی‌مدعی و یک‌تنه بر روسیه فرمان رانده است. اما پوتین چطور به چنین جایگاهی رسید و چگونه توانست در تمام این سال‌ها، زمامداری تام‌وتمام خود را حفظ کند؟ «هاوارد آموس»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسائل روسیه، در پاسخ به این پرسش به بررسی کتابی پرداخته که به‌تازگی منتشر شده و در آن به جزئیات حساب‌شده خیزش یک

تزار مدرن پرداخته است. در این گزارش آمده: بهترین جمله‌ای که تاکنون درباره ولادیمیر پوتین شنیده‌ام، از پدر دوستم بوده است، کسی که از مخالفان سابق اتحاد جماهیر شوروی است. او در دهه ۱۹۶۰ و عنوان جوانی‌اش در لنینگراد بوده، تجربه بی‌واسطه رویه‌روشدن با «کاکب»، سرویس اطلاعاتی رعب‌آور اتحاد جماهیر شوروی را داشته است؛ همان سازمانی که پوتین پیش از ورود به دنیای سیاست و ظاهرشدن در قامت ریاست‌جمهوری، سال‌های جوانی‌اش را در آن سپری کرد. پدر دوستم یک روز غروب گفت: «گذشته رهبر فعلی روسیه در کاکب به این معناست که او همیشه مثل یک جاسوس فکر می‌کند. پوتین خم‌شدنی نیست، اما می‌تواند شکسته شود». افراد انگشت‌شماری هستند که درباره اینکه کاکب چطور پوتین و روسیه را شکل داد، صحبت کرده‌اند. «کاترین بلتون» یکی از این افراد است؛ روزنامه‌نگاری که در کتاب جدید خود با عنوان «ملت پوتین: چطور کاکب روسیه را پس گرفت و در مقابل غرب ایستاد»، ادعا می‌کند پوتین هیچ‌گاه از مأموریت احیای قدرت کاکب با پس نکشید. بلتون در اثر خود، رد تمامی مشاغل پوتین و حلقه نزدیکانش را از جاسوسی میانه‌پایه در دهه ۱۹۸۰ تا رده‌های بالای امنیتی در دهه ۱۹۹۰ و رسیدن به رأس هرم سیاست و تجارت روسیه گرفته است. بلتون معتقد است، آنان بخشی را ساخته‌اند که از دستورالعمل‌های کاکب برای حفظ قدرت، دستکاری‌کردن میلیارد‌ها دلار جریان پولی و گسترش نفوذ روسیه در غرب استفاده می‌کند.

اما شیوه ویروس کرونا فرصت بسیار خوبی است تا به پوتین و رژیم سیاسی او نگاهی بیندازیم. چالش‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی که باعث شده نرخ محبوبیت پوتین به کمترین سطح خود در دو دهه گذشته برسد، یکی از جدی‌ترین بحران‌های ریاست‌جمهوری او را رقم زده و تردیدهایی جدی را نسبت به آینده سیاسی او ایجاد کرده است. در شرایطی که رهبر روسیه تلاش می‌کند چنین توفانی را مهار کند، بلتون از زاویه جالبی این گروه از مردان سیاست (جالب اینکه هیچ زنی در میان آنان نیست) را که در کرملین قدرت را در دست گرفته‌اند، بررسی کرده است. بر اساس تحقیقات دقیق نویسنده کتاب، به نظر می‌رسد مردان پوتین وظیفه‌ای مشخص دارند، حفظ نفوذ جاسوسان روسیه.

بلتون می‌گوید: برای درک خط‌مشی پوتین باید به شهر درسدن در آلمان شرقی رفت؛ جایی که او به‌عنوان افسر اطلاعات خارجی در سال ۱۹۸۵

خدمت کرد. اگرچه گفته شده پوتین در این دوره به‌جز یادگرفتن زبان آلمانی و نوشیدن آب‌جو کار زیادی انجام نداده است، اما بلتون تصویر بسیار متفاوتی از این مقطع از زندگی رئیس‌جمهوری فعلی روسیه به تصویر می‌کشد. بلتون می‌گوید که پوتین در اداره سرویس اطلاعاتی اتحاد جماهیر شوروی در درسدن، استخدام نیرو، سرقت فناوری و حتی مدیریت گروه‌های ترور چپ‌گرا که کارشان ترور شخصیت‌ها در آن سوی پرده آهنین بود نیز دخالت داشته است. هم‌زمان، پوتین از طرف کاکب در جریان اقدامات احتمالی این سازمان برای حفظ نفوذ خود در صورت فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت؛ واقع‌های که از سوی برخی از دست‌اندرکاران دوراندیش کاکب پیش‌بینی شده بود. این اقدامات در واقع ایجاد شبکه‌ای از افراد مورد اعتماد و شرکت‌های دوست با استفاده از پول سیاه در خارج از کشور بود. بلتون نوشته: «آنچه پوتین و کاکب در دهه ۱۹۸۰ مشغول آن بودند، طرح نقشه برای تمام اتفاقاتی است که بعدها روی داد».

نشانه‌های ادامه نفوذ کاکب در غرب در چند دهه گذشته وجود داشت اما آنچه بیشترین توجه را به این مسئله جلب کرد، افشای مدارکی در سال ۲۰۱۶ مبنی بر دخالت مسکو در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده به نفع دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا بود. بلتون مشخصا به مزدوران پسااتحادیه جماهیر شوروی پرداخته؛ کسانی‌که پیش از ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، او را احاطه کرده بودند و روابط آنها با سرویس اطلاعات روسیه شناسایی شده است؛ کسانی که از تاکتیک‌های کاکب برای درگیرکردن رئیس‌جمهوری آینده با تعهدات مالی استفاده کردند. در ابتدا، تجارت ترامپ احتمالا چیزی بیش از یک راه راحت برای انتقال پول به ایالات متحده نبوده است. اما بلتون، ارتباطات ترامپ با افرادی مانند «آکاس آکلاروف»، قاچاقچی عقیده و «شالوا توچیرینسکی»، تاجر و بازرگان نفت را ردیابی کرده است؛ کسانی‌که به‌نوعی با سرویس‌های اطلاعاتی روسیه و گروه‌های خلافکار همکاری دارند. بلتون می‌نویسد: «روابط ترامپ و مزدوران روسی به‌تدریج بیشتر شد؛ تا جایی که ترامپ به فرصت

ولادیمیر پوتین و کاکب چطور کنترل روسیه را به دست گرفتند

خیزش یک تزار مدرن



سیاسی برای روس‌ها بدل شد». کتاب بلتون تنها درباره عملیات‌های جاسوسی روسیه در خارج از کشور نیست؛ همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، تمرکز اصلی نویسنده بر مردان پوتین-مجموعه‌ای از تاجر و مقام‌های قدرتمند در قلب کرملین- است و آنچه این افراد با پول و نفوذشان قادر به انجامش هستند، جای تعجبی ندارد که بیشتر افرادی که بلتون از آنها نام برده است، پیشینه حضور در کاکب را دارند. «ایگور اسپچین»، مأمور سابق کاکب در غرب آفریقا در دهه ۱۹۹۰ منشی پوتین بود، حالا رئیس شرکت دولتی روس‌نفت است. «گنادی تیمچنکو» نیز پیش از ورود به تجارت نفت و ثروت ۱۴میلیارددلاری، به‌همراه پوتین در مدرسه کاکب زبان آلمانی یاد گرفت.

اما بلتون از این روابط فراتر رفته و نشان می‌دهد که چطور حتی میلیارد‌هایی که اغلب مستقل به نظر می‌رسند، با کرملین ارتباطی ناگسستگی دارند. او می‌نویسد که چطور «مایکل فریدمن» و «پیوتر آون»، صاحبان بانک خصوصی «آلفابانک»، بستگان اعضای سازمان جاسوسی پوتین در آلمان شرقی را استخدام کرده‌اند و اینکه چطور پوتین به «هرمن آبراموویچ» میلیاردر گفت که باشگاه فوتبال چلسی لندن را در ۲۰۰۳ بخرد. ارادت

این میلیارد‌رها به روسیه و پوتین در جریان شیوع ویروس کرونا نیز دیده شد؛ زمانی که مقامات روس برای تأمین ده‌ها میلیون دلار بودجه لازم برای تجهیز نظام سلامت خود، به سوپرملیارد‌ها متوسل شدند. بلتون توضیح می‌دهد که سقوط اتحادیه جماهیر شوروی در واقع اقدام داخلی مردان کاکب بوده و ظهور پوتین در قامت رئیس‌جمهوری، عملیات کاملاً حساب‌شده این سازمان بوده است. در هر دو مورد، فرایندهای پیچیده سیاسی چیزی بسیار فراتر از طرح‌های جاسوسی بوده‌اند. بلاتون در کتاب خود از منابع ناشناس استفاده کرده و شواهد محکمی را درباره اعتبار برخی از تاریخ‌ترین شایعه‌ها درباره روسیه پس از شوروی ارائه می‌کند. هیچ دلیلی وجود ندارد که به بی‌رحمی کسانی‌که روزگاری افسران کاکب بودند، شک کرد، اما سرویس‌های اطلاعاتی روسیه نیز قدرت‌شان محدود است. فساد،

●

سقوط اتحادیه جماهیر شوروی

در واقع اقدام داخلی مردان کاکب

بوده و ظهور ولادیمیر پوتین

در قامت رئیس‌جمهوری روسیه

عملیات کاملاً حساب‌شده این

سازمان بوده است. در هر دو مورد،

فرایندهای پیچیده سیاسی چیزی

بسیار فراتر از طرح‌های

جاسوسی بوده‌اند

●

بی‌کفایتی و تداخل فعالیت‌های سازمانی نیز جنبه‌هایی از سیاست روسی است. آنچه در کتاب بلتون بسیار قانع‌کننده به نظر می‌رسد، افشاگری او درباره این است که دولت پوتین چطور نظام اقتصادی را برای جمع‌آوری ثروت شخصی حلقه نزدیکان خود دستکاری کرد تا از این طریق بتواند بودجه لازم برای جنگ‌ها و عملیات‌های نفوذ مالی در خارج از کشور را فراهم کند. کتاب «مردان پوتین» از طریق گفت‌وگوهای بسیار با بانکداران روسی، منابع کرملین و جاسوسان سابق نشان می‌دهد که نزدیکان رهبر روسیه به‌تدریج اقتصاد روسیه را از طریق سلب دارایی‌های شرکت دولتی «گازپروم»، سوءاستفاده از پول صادرات انرژی و ایجاد غول‌های مالی نظیر شرکت «بیمه سوزاک» و «بانک روسیا» که کاملاً از سوی حلقه درونی کرملین اداره می‌شوند، به دست گرفتند. بسیاری در غرب نیز در این فرایند دست داشتند؛ کسانی که فکر می‌کردند

ورود روسیه به بازارهای جهانی پس از کمونیسم می‌تواند این کشور را با غرب هم‌رای کند. اما این اتفاق نیفتاد و در عوض آنها شرکت‌های روسی و نزدیکان پوتین را ثروتمند کردند. بلتون می‌نویسد: «پول، چشمان بانکداران در ایالات متحده و اروپا را کور کرده بود. مردان پوتین کاملاً دقیق محاسبه کرده بودند که برای غرب پول مهم‌تر از دغدغه‌های دیگر است».

زمانی‌که روابط روسیه و غرب به دلیل ضمیمه‌شدن شبه‌جزیره کریمه به خاک روسیه سقوط کرد، پوتین تقریباً تمام اقتصاد روسیه را در دست گرفته بود و غرب این فرصت شکل‌دادن به نظام پوتین را از دست داد. بلتون به نقل از یک بانکدار نوشته: «همه‌اش پول پوتین است. او زمانی که به قدرت رسید، همیشه می‌گفت چیزی بیش از یک مدیر نیست، اما حالا کنترل تمام ثروت روسیه را در اختیار دارد». بخشی از این پول صرف زندگی تجملاتی پوتین و نزدیکانش می‌شود، اما به گفته بلتون، بیشتر این پول صرف تضعیف نهادهای غربی می‌شود؛ از دخالت در انتخابات ایالات متحده گرفته تا همه‌پرسی برگزید در بریتانیا در سال ۲۰۱۶ و به‌خاشیه‌راندن احزاب عمده در اروپا. به گفته بلتون، مردان کاکب پوتین ۸۰۰ میلیارد دلار در حساب‌های بانکی خارج از کشور پول دارند.

اصلاح قانون اساسی

اوایل سال جاری میلادی پوتین خواستار تغییراتی در قانون اساسی روسیه شد که در صورت اجرا، اجازه می‌دهد او تا سال ۲۰۳۶ میلادی رئیس‌جمهور بماند که در واقع او را به یک تزار در عصر مدرن تبدیل می‌کند. اما چه بر سر رژیم کاکب روسیه می‌آید؟ آیا پس از مرگ پوتین به حیات خود ادامه می‌دهد یا زودتر از او از میان خواهد رفت؟ واقعیت این است که تقریباً هیچ نشانی از فروپاشی قریب‌الوقوع سیاسی یا درهم‌شکستن پوتین -حال چه به‌واسطه رقبای داخلی یا توطئه خارجی- دیده نمی‌شود، اما شیوع ویروس کرونا باعث شده پوتین بسیار آسیب‌پذیرتر از هر زمانی که ناظران می‌توانند به خاطر بیاورند، ظاهر شود و محبوبیتش به‌شدت کاهش یابد. بلتون در کتاب «مردان پوتین» دراین‌باره می‌گوید: پوتین محکوم به تکرار اشتباهات پیشینیان خود در کاکب است و هشدار می‌دهد: «سخت‌شدن، قانون‌مردان کاکب پوتین است؛ امری که در عین حال باعث می‌شود در برخورد با یک تهدید واقعی، شکننده‌تر هم باشند».

پولیتیکو؛ رئیس‌جمهوری آمریکا می‌داند در انتخابات بازنده است

خودسانسوری ترامپ در توئیتر

رئیس‌جمهوری آمریکا متحده یکشنبه‌شب ویدئویی را در توئیتر منتشر کرد که در آن یکی از هواداران او شعاری با ادعای برتری نژادی سفیدپرها می‌دهد؛ اما دونالد ترامپ دقایقی بعد این توئیت را حذف کرد و کاخ سفید نیز در توضیح آن گفت که او شعار مطرح‌شده در ویدئو را نشنیده بود.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، به نظر می‌رسد که این ویدئو در فلوریدا ضبط شده باشد و تظاهرات را در گروه حامیان و مخالفان دونالد ترامپ را نشان می‌دهد. در لحظه‌ای از این ویدئو یکی از هواداران ترامپ شعار «قدرت سفیدپوستان» را سر می‌دهد که شعار هواداران اعتقاد برتری نژادی سفیدپوستان است. این ویدئو سپس مقامات ترامپ را نشان می‌دهد که در آن هواداران او «نازای» و «نژادپرست» می‌گویند؛ اما سخنگوی کاخ سفید تأکید کرده که دونالد ترامپ آن شعار را نشنیده و صرفا تجمع هوادارانش توجه او را جلب کرده بود. دراین‌حال، منابع نزدیک به دونالد ترامپ به پایگاه تحلیلی-خبری پولیتیکو گفتند که

به پایگاه تحلیلی-خبری پولیتیکو گفتند که

جهان

رویداد

درگیری نیروهای امنیتی

با تظاهرکنندگان لبنانی

● ده‌ها معترض لبنانی با تجمع در منطقه «انطلیاس» در شرق بیروت شعارهایی را علیه طبقه سیاسی حاکم در کشورشان و اوضاع نابسامان اقتصادی لبنان سر دادند. منابع خبری نیز از درگیری نیروهای امنیتی لبنان با معترضان این کشور و زخمی‌شدن شماری از معترضان در این درگیری‌ها خبر دادند.

تکذیب نشت رادیواکتیو

از سوی روسیه

● روسیه می‌گوید افزایش سطح ذرات رادیواکتیو که در کشورهای منطقه اسکاندیناوی گزارش شده، ارتباطی با این کشور ندارد. سازمان‌های نظارت بر انرژی اتمی در فنلاند، نروژ و سوئد هفته گذشته از افزایش تشعشعات رادیواکتیو در این کشور‌ها خبر داده بودند.

انتخابات لهستان در مرحله دوم

● انتخابات ریاست‌جمهوری در لهستان که روز یکشنبه برگزار شده بود، به مرحله دوم کشیده شد. بنا بر نتایج اولیه، آندژی دودا، رئیس‌جمهوری کنونی، از رقیب خود پیشی گرفته، اما موفق به کسب بیش از ۵۰ درصد آرا نشده است.

دیدار گانتس

با نماینده ویژه ترامپ

● منابع مطلع اعلام کردند بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل، روز گذشته با آوی بروکویچ، نماینده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا، در روند صلح خاورمیانه دیدار کرد. روزنامه بدیعوت آحارونوت به نقل از گانتس نوشت: یکم جولای، تاریخ «مقدس»ی برای اجرای طرح الحاق نیست و اکنون تنها مسئله، مقابله با بی‌کاری و ابیذمی کروناست.

دست به دعاشدن پاپ

برای سوریه و یمن

● پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، در سخنرانی در میدانی از کاتیک گفت: می‌خواهیم برای موفقیت کنفرانس آتنی اهداکنندگان مالی به سوریه و یمن دعا کنیم تا بهبود وضعیت معیشتی فاجعه‌آمیز ملت این کشورها و ملت‌های مجاور به‌خصوص لبنانی‌ها، در سایه بحران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عمیق موفق واقع شود.

حمله مردان مسلح

به ساختمان بورس کراچی

● چهار مرد مسلح در ورودی ساختمان بورس و اوراق بهادار پاکستان در کراچی را با نارنجک منفجر کردند و پس از تیراندازی به داخل ساختمان یورش بردند. به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه خبری جئونیز، سه تروریست از چهار فرد مسلح کشته شده‌اند. مدیر اوراق بهادار پاکستان گفت: این رویداد تأسیف‌برانگیز در اوراق بهادار پاکستان رخ داد. آنها از پارکینگ وارد ساختمان شدند و به هرکسی که سر راه بوده، شلیک کردند.

بازداشت ۵۳ هنگ‌کنگی معترض

● پس از آنکه زدوخوردهایی در جریان اعتراضات عمداً مسالمت‌آمیز روز یکشنبه در هنگ‌کنگ علیه قانون امنیت ملی جدید به وقوع پیوست، دستکم ۵۳ نفر بازداشت شدند.

اعتراض پکن به اعمال فشار آمریکا

● در بحبوحه گزارش‌ها درباره احتمال اعمال تحریم‌های آمریکا علیه کمپانی‌های چینی، وزارت خارجه چین تأکید کرد پکن اعتراض قاطعانه خود را به اعمال فشار آمریکا بر کمپانی‌های چینی ابراز می‌کند و از واشنگتن می‌خواهد از چنین اقدامی دست بردارد.

استعفای مقام ارشد

دولت جانسون

● مارک سدویل، از مقام‌های ارشد دولت بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا که چندین سمت ازجمله مشاور امنیت ملی این کشور را بر عهده دارد، قرار است در سپتامبر از سمتش کناره‌گیری کند.

درگیری در پارلمان تایوان

● شماری از اعضای حزب مخالف ناسیونالیست در تایوان پس از بستن در تالار ورودی به پارلمان، با نمایندگان حزب حاکم دموکراتیک ترقی‌خواه درگیر شدند. درگیری زمانی شدت گرفت که نمایندگان حزب حاکم تلاش کردند صندلی‌ها و زنجیرهایی را که مقابل در ورودی قرار گرفته بود، کنار بزنند. مخالفان، حزب حاکم و دولت را ظالم و ستمکار خوانده و گفته‌اند به همین دلیل صحن مجلس و به دنبال آن جایگاه هیئت‌رئیسه را اشغال کرده‌اند.